

## الاستبدال جایگزینی

كَذَّبَ رَسُولَ اللَّهِ قَوْمُهُ وَعَشِيرَتُهُ وَأَهْلُ مَدِينَتِهِ وَعُلَمَاءُ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى، وَلَمْ يُؤْمِنَ بِهِ الشِّيُوخُ وَرُؤَسَاءُ الْقَوْمِ، وَلَكِنْ آمَنَ بِهِ وَقَبِلَهُ الْغُرَبَاءُ أَهْلَ الْمَدِينَةِ الطَّبِيبَةِ الْمُبَارَكَةِ يَثْرِبَ، وَآمَنَ بِهِ الْفُقَرَاءُ وَالْمُسْتَضْعَفُونَ وَالشَّبَابُ، وَهَكَذَا اسْتَبَدَلَ اللَّهُ عُلَمَاءَ الدِّينِ وَرُؤَسَاءَ الْقَوْمِ وَبَعْضَ مَنْ كَانَ يُدْعَى أَنَّهُ يَنْتَظِرُ بَعَثَ مُحَمَّدٍ بِآخَرِينَ هُمْ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجِبُونَ الَّذِينَ قَدِمَهُمْ أَمَامَهُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَقُتِلَ مَعْظَمُهُمْ فِي حَيَاتِهِ شُهَدَاءَ مُحْتَسِبِينَ، قَالَ تَعَالَى: (مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا) [285].

رسول خدا (ص) را قوم، خاندان، طایفه، هم‌شهریانش و علمای یهود و نصاری تکذیب نمودند و بزرگان و رؤسای قوم به وی ایمان نیاوردند؛ اما غریبه‌های شهر پاک و مبارک یثرب به او ایمان آوردن و پذیرایش شدند و فقرا، مستضعفان و جوانان نیز به آن حضرت ایمان گرویدند. این ترتیب خداوند، علمای دین، سران قوم و برخی کسانی را که ادعا می‌کردند منتظر بعثت محمد (ص) می‌باشند را با کسان دیگر که همان یاران برگزیده‌ی حضرت محمد (ص) بودند جایگزین نمود؛ همان کسانی که نبی اکرم (ص) ایشان را پیشاپیش خود به بهشت فرستاد و بیش‌تر آنان در زمان زندگانی آن حضرت کشته شدند و به فیض شهادت نایل آمدند؛ استوار و مردانه جنگیدند و به شهادت رسیدند. حق تعالی می‌فرماید: (از مؤمنان، مردانی هستند که به پیمانی که با خدا بسته بودند وفا کردند، برخی بر سر پیمان خویش جان باختند و برخی چشم به راهند و هیچ پیمان خود دگرگون نکرده‌اند) [286].

قَالَ تَعَالَى: (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ

مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا) [287].

همچنین می فرماید: (محمد فرستاده‌ی خدا، و کسانی که با او هستند بر کافران سختگیرند و با یکدیگر مهربان. آنان را بینی که رکوع می کنند، به سجده می آیند و جویای فضل و خوشنودی خدا هستند. نشانشان اثر سجده‌ای است که بر چهره‌ی آنها است. این است وصفشان در تورات، و مثل شان در انجیل، چون کشته‌ای است که جوانه بزند و آن را یاری دهد تا محکم شود و برپاهای خود بایستد و کشاورزان را به شگفتی وادارد، تا آنجا که کافران را به خشم آورد. خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند به آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است) [288].

هؤلاء ثلثة غيروا وجه التاريخ وبيضوا وجه الإنسانية، جعفر بن أبي طالب، وأبو دجانة الأنصاري، وحنظلة غسيل الملائكة، وزيد بن حارثة، وعبد الله بن رواحة، والمقداد، وعمار، وجندب بن جنادة، وسلمان المحمدي الفارسي الأصل وكثيرون غيرهم، ربما لم يذكر التاريخ لبعضهم اسماً ولا رسماً ممن حاربوا الفساد والمفسدين، ولم يطلبوا علواً في الأرض، معروفون في السماء مجهولون في الأرض، فطوبى لهم وحسن مآب وجزاهم الله عن الإسلام والمسلمين خير الجزاء لنصرهم دين الله في أرضه، ونصرتهم لسيد الأنبياء وسيد الأوصياء محمد وعلي عليهما وعلى ألهما صلوات ربي وسلامه.

این گروه، تاریخ را دگرگون و انسانیت را رو سفید نمودند؛ جعفر بن ابی طالب، ابو دجانه انصاری، حنظله غسیل ملائکه، زید بن حارثه، عبد الله بن رواحه، مقداد، عمار، جندب بن جناده، سلمان محمدی فارسی الاصل و بسیاری دیگر که چه بسا از برخی از ایشان هیچ اسم و رسمی در تاریخ نیامده باشد؛ کسانی که با فساد و فسادگران جنگیدند و در زمین به دنبال هیچ برتری جویی نبودند، شناخته شدگان در آسمان، گمنامان زمین، خوشا به حالشان و

چه نیکو بازگشتی داشتند. خداوند به خاطر یاری دادن دین خدا در زمینش و یاری دادن سرور انبیا و سرور اوصیا، محمد و علی که سلام و صلوات پروردگارم بر ایشان باد، برترین پاداش اسلام و مسلمین را به ایشان عطا فرماید!

وقریب من هذا ما حدث مع من سبق محمد من الأنبياء كما مرّ علينا أنّ علماء اليهود لن يؤمنوا بعيسى (ع)، ولم يؤمن بعيسى أهل مدينته الناصرة التي تربي فيها، جاء في الإنجيل: (وخرج من هناك وجاء إلى بلدة يتبعه تلاميذه، وفي السبت أخذ يعلم في المجمع فتعجب أكثر الناس حين سمعوه وقالوا من أين له هذا؟ وما هذه الحكمة المعطاة له وهذه المعجزات التي تجري على يديه؟ أما هو النجار بن مريم، وأخو يعقوب ويوسي و يهوذا و سمعان؟ أمّا أخواته عندنا هنا ورفضوه. فقال لهم يسوع: لا نبي بلا كرامة إلا في وطنه، وبين أقربائه وأهل بيته. وتعذر على يسوع أن يصنع أي معجزة هناك، سوى أنه وضع يديه على بعض المرضى فشفاهم، وكان يتعجب من قلة إيمانهم، ثم سار في القرى المجاورة يعلم) ([289]).

قريب به همین اتفاق برای انبیای پیش از محمد (ص) نیز رخ داده بود و پیش تر گذشت که علمای یهود به عیسی (ع) ایمان نیاوردند و همچنین همشهریان آن حضرت یعنی ساکنان ناصره که ایشان در آن پرورش یافته بود، وی را پذیرا نشدند. در انجیل آمده است: «1 از آنجا روانه شده، به وطن خویش آمد و شاگردانش از عقب او می آمدند. 2 چون روز سبت رسید، در کنیسه تعلیم دادن آغاز نمود و بسیاری چون شنیدند، حیران شده، گفتند: این از کجا برایش آمده؟ این حکمت‌ها که به او عطا شده است و این معجزات که از او صادر می‌گردد، چیست؟ 3 مگر این همان نجار پسر مريم و برادر يعقوب و يوشا و يهوذا و شمعون نیست؟ و آیا خواهران او اینجا نزد ما نمی‌باشند؟! و او را نپذیرفتند 4 يسوع ایشان را گفت: هیچ نبی بی حرمت نباشد مگر در وطن خود و میان خویشان و اهل خانه‌ی خود 5 و در آنجا يسوع هیچ معجزه‌ای نتوانست نمود جز اینکه دست‌های خود را بر چند مريض نهاده، ایشان را شفا داد 6 و از

سستی ایمان ایشان در حیرت بود؛ سپس در قریه‌های آن حوالی گشته، تعلیم می‌داد» [290].

کما ورد في بعض الروايات أنّ بعض الشيعة لن يؤمنوا بالمهدي (ع)، كما لم يؤمن السنة بأبائه (ع)، (سنة الله ولن تجد لسنة الله تبديلاً).  
در بعضی روایات آمده است که برخی شیعیان به مهدی (ع) ایمان نمی‌آورند هم‌چنانکه اهل سنت به پدران آن حضرت (علیهم السلام) ایمان نیاوردند: «سستی الهی است و در سنت‌های خداوند هرگز تبدیل و تغییری نمی‌یابی».

بل إنّ بعض العلماء غير العاملين الذين يعتقد الجاهل أنّهم قريبون منه لن يؤمنوا به، قال الإمام الصادق (ع): (... وكذلك القائم فإنّه تمتد أيام غيبته ليصرح الحق عن محضه، ويصفو الإيمان من الكدر بارتداد كل من كانت طينته خبيثة من الشيعة، الذين يخشى عليهم النفاق إذا أحسوا بالاستخلاف والتمكين ولهم الأمر المنتشر في عهد القائم ... وقال (ع): كل ذلك لتتم النظرة التي أوجبها الله لعدوه إبليس، إلى أن يبلغ الكتاب أجله، ويحق القول على الكافرين ويقرب الوعد الذي بينه الله في كتابه بقوله: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ) [291]، وذلك إذ لم يبقَ من الإسلام إلا اسمه ومن القرآن إلا رسمه، وغاب صاحب الأمر بإيضاح العذر له في ذلك لاشتغال الفتنة على القلوب، حتى يكون أقرب الناس إليه أشدهم عداوة له، وعند ذلك يؤيده الله بجنود لم تروها، ويظهر دين نبيه على يديه، ويظهره على الدين كله ولو كره المشركون) [292].

حتی برخی از عالمان بی‌عمل که جاهلان، ایشان را نزدیک به آن حضرت می‌دانند، هرگز به او ایمان نمی‌آورند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «.... قائم (ع) نیز چنین است؛ زیرا ایام غیبت او طولانی می‌شود تا حق محض آشکار شود و با از دین بیرون رفتن هریک از شیعیان که طینت ناپاکی دارد، ایمان صاف از کدر آن مشخص شود؛ همان کسانی که ممکن است چون استخلاف و تمکین و امنیت منتشر شده در عهد قائم (ع) به مشام‌شان رسد، نفاق پیشه

کنند... و ایشان (ع) ادامه داد: همه‌ی اینها برای آن است که مهلتی که خداوند به دشمنش ابلیس داده است به سر آید، تا آن کتاب به اجلس برسد و فرمان خداوند بر کافران محقق گردد و آن وعده‌ای که خداوند در کتابش با این سخن (خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داد که در روی زمین جانشین‌شان کند، همچنان که مردمی را که پیش از آنها بودند جانشین نمود) [293] از آن یاد کرده است، نزدیک گردد؛ و این، زمانی است که از اسلام جز نامش و از قرآن جز خطش باقی نماند. صاحب الامر غایب می‌شود تا عذری که دارد آشکار گردد؛ اینکه فتنه همه‌ی دل‌ها را فرامی‌گیرد تا آنجا که نزدیک‌ترین کسان به آن حضرت سرسخت‌ترین دشمنی‌ها را با وی خواهند داشت و در آن هنگام خداوند وی را با سپاهیانی که نمی‌بینید یاری می‌فرماید و دین پیامبر خویش به دستان وی را آشکار می‌سازد و بر همه‌ی ادیان پیروزش می‌گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند» [294].

\* \* \*

الأحزاب : 23.

[286] - احزاب: 23.

[287] - الفتح : 29.

[288] - فتح: 29.

[289] - إنجيل مرقس: إصحاح 6.

[290] - انجيل مرقس: اصحاح 6.

[291] - النور : 55.

[292] - کمال الدین: ص 356، غيبة الطوسي: ص 172، بحار الأنوار: ج 51 ص 222.

[293] - نور: 55.

[294] - كمال الدين: ص 356 ؛ غيبت طوسي: ص 172 ؛ بحار الانوار: ج 51 ص 222.